



Psychological analysis of mystical readings of the poetry of stability Based on Norman Holland's "exchange criticism" theory

Ismaeil Mohamadpour ^{*1}

¹*PhD student of Persian language and literature, Gilan University, Gilan, Iran.

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	According to Norman Holland, the reader goes to the text in order to "get pleasure"; Because he sees his desires in it in a different way. For the analysis of mystical states, the knowledge of psychoanalysis as a practical and progressive knowledge has always played a decisive role. Based on this, we can conclude that psychoanalytic criticism of mystical readings is one of the needs and necessities of literary criticism in the present era. With such a view and considering the importance of the subject, 10 scientific-research articles in which the researchers had presented mystical readings of the sustainability poems of contemporary Iranian poets were selected and analyzed. The results showed that if the reader uses the psychoanalysis facilities correctly during the reading, he can gain more success in discovering the true meaning of the text; But if he cannot control these facilities, it will lead to reading distortion. For example, the defense mechanism of "idealization" causes exaggerated reading of the text and not seeing or underestimating its weak points; or the activation of expansion in the process of reading the text, if it is not under the control of the reader, it causes the path of interpretation to change and as a result, the reader, without delay in the lower layers of meaning, fills only the gaps of the surface layer of meaning; However, if the readers use the "foreigner" approach consciously in the reading process, the value, effectiveness and attractiveness of the reading will be increased
Received: 05/11/2023	
Accepted: 26/02/2024	
	Keywords: Persistence poetry, mystical poetry, reader response criticism, exchange criticism, Norman Holland

Cite this article: Mohamadpour., Ismaeil. (2023). Psychological analysis of mystical readings of the poetry of stability Based on Norman Holland's "exchange criticism" theory, *research in persian Language and literature* , Vol. 2, New Series, No.1, Spring and summer2023: pages:81-102.

DOI: 10.30479/IRPLI.2024.19533.1117



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Ismaeil Mohamadpour

Address: PhD student of Persian language and literature, Gilan University, Gilan, Iran

E-mail: e.mohamadpour@iran.ir



تحلیل روان‌شناختی خوانش‌های عرفانی از شعر پایداری بر مبنای نظریه «نقد

تبادلی» نورمن هالند

اسماعیل محمدپور^{*}

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۰۸/۱۴

پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۰۷

از اوایل قرن بیستم میلادی تا به امروز روان‌شناسان بسیاری از جمله گوستاو یونگ، ژاک لاکان، شارل مورون، ژان بلمن نوتل، شارل بودتن و نورمن هالند - متأثر از دیدگاه‌های زیگموند فروید - کوشیدند تا جریان نقد روانکاوانه را به سمت‌وسوی خوانش‌های ادبی و تمرکز بر روی متن بکشانند. نورمن هالند یکی از اثرگذارترین چهره‌های نقد روانکاوانه است که عقیده دارد، خواننده به‌منظور «کسب لذت» به سراغ متن می‌رود؛ زیرا امیال خود را به‌صورتی دیگر در آن می‌بیند. بر کسی پوشیده نیست که برای تحلیل حالات عرفانی، دانش روانکاوی به‌عنوان دانشی کاربردی و پیشرو، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. بر همین مبنا می‌توان نتیجه گرفت که نقد روانکاوانه بر خوانش‌های عرفانی، یکی از نیازها و ضرورت‌های نقد ادبی در عصر حاضر است. با چنین نگاهی و با توجه به اهمیت موضوع، ۱۰ مقاله علمی-پژوهشی که در آن‌ها پژوهشگران، خوانش‌هایی عرفانی از شعرهای پایداری شاعران معاصر ایران ارائه کرده بودند، انتخاب شدند. در گام بعدی به تحلیل این خوانش‌ها از منظر چهار رویکرد «تداعی آزاد»، «آشنایی‌زدایی»، «فعال‌سازی گسترش» و «دفاع و سازگاری» که از رویکردهای محوری «نقد تبادلی» در نظریه روان‌شناختی نورمن هالند هستند، پرداخته شد. نتایج حاصل نشان داد که اگر خواننده در مسیر خوانش از امکانات روانکاوی، به‌درستی استفاده کند می‌تواند در کشف معنای حقیقی متن توفیق بیشتری کسب کند؛ اما اگر نتواند این ابزارها و امکانات را به کنترل خود درآورد به اعوجاج خوانش منجر خواهد شد. به‌عنوان مثال مکانیسم دفاعی «آرمانی‌ساختن»، باعث خوانش اغراق‌آمیز متن و ندیدن یا ناچیزشمردن نقاط ضعف آن می‌شود؛ یا فعال‌سازی گسترش در فرایند خوانش متن، اگر به کنترل خوانشگر درنیاید سبب می‌شود تا مسیر تأویل تغییر و در نتیجه خواننده بدون درنگ در لایه‌های زیرین معنا، ناخواسته، تنها شکاف‌های لایه سطحی معنا را بر کند؛ اما در صورتی که خوانندگان از رویکرد «غربیه‌گردانی» به‌طور آگاهانه در فرایند خوانش بهره بگیرند، بر ارزش، اثرگذاری و جذابیت خوانش افزوده خواهد شد.

کلمات کلیدی: شعر پایداری، شعر عرفانی، نقد پاسخ خواننده، روانکاوی، نقد تبادلی، نورمن هالند

استناد: محمدپور، اسماعیل. (۱۴۰۲). تحلیل روان‌شناختی خوانش‌های عرفانی از شعر پایداری بر مبنای نظریه «نقد

تبادلی» نورمن هالند، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، دوره جدید، شماره اول، بهار و

تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۰۲-۸۱

DOI: 10.30479/IRPLI.2024.19533.1117



حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

در قرن هفدهم میلادی، برای نخستین بار باروخ اسپینوزا (Baruch Spinoza) - فیلسوف آلمانی - آفرینش هنری را از امور ماوراءالطبیعه جدا کرد و پس از آن در اوایل قرن نوزدهم، شماری از فلاسفه از جمله یوهان هربرت (Johann Friedrich Herbart)، ویلهلم شلینگ (Friedrich Wilhelm Schelling) و آرتور شوپنهاور (Arthur Schopenhauer) چگونگی آفرینش هنری را با ضمیر ناخودآگاه هنرمند مرتبط دانستند و در اواخر همین قرن «فن هارتمن» (Karl Robert Eduard von Hartmann) توضیح داد که تداعی اندیشه‌ها به وسیله تمایلات ناخودآگاه، راهنمایی شده و رؤیا و آفرینش هنری، نوعی فعالیت ناخودآگاه است. سپس متفکرانی همچون امرسون (Ralph Waldo Emerson)، کارلایل (Thomas Carlyle) و ویلیام جویس (William Joyce) بر آن شدند که ریشه آفرینش هنری در دنیای رؤیاهای انسان قرار دارد. داروین (Charles Robert Darwin)، مارکس (Karl Heinrich Marx)، نیچه (Friedrich Wilhelm Nietzsche) و تولستوی (Leo Nikolayevich Tolstoy) ادعا نمودند که نیرویی غیر از ضمیر ناخودآگاه موجب خلاقیت هنری می‌باشد» (عناصری، ۱۳۶۸: ۱۸۶).

در اوایل قرن بیستم میلادی نخستین کسی که میان آفرینش‌های هنری و ادبی با ضمیر ناخودآگاه انسان ارتباط برقرار نمود، زیگموند فروید (Sigmund Freud) - عصب‌شناس برجسته اتریشی و بنیان‌گذار دانش روانکاوی - بود. در سال‌های بعد پیوند میان روانکاوی و ادبیات در آثار شاگردان فروید از جمله کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung)، ژاک لاکان (Jacques Lacan) و مری بناپارت (Marie Bonaparte) ادامه یافت.

پس از شاگردان فروید، نورمن هالند (Norman Holland) یکی از اثرگذارترین چهره‌های نقد روانکاوانه است که عقیده دارد خواننده به منظور «کسب لذت» به سراغ متن می‌رود؛ زیرا امیال خود را به صورتی دیگر در آن می‌بیند. «وقتی به وسیله اثر ادبی تحریک می‌شویم، خویشتن بی‌تفاوت خود را که با اثر درهم آمیخته است، بازسازی می‌کنیم. به همان شکل که در دوران کودکی، مجذوب پرستار خود شدیم و او نیز مجذوب ما شد، در اینجا نیز مجذوب تجربه ادبی شده و اثر نیز مجذوب ما می‌شود؛ بدون اینکه کاری کنیم. مثل همان دوران کودکی که در آغوش پرستار بودیم، در آغوش اثر ادبی، احساس لذت می‌کنیم» (هالند، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

از آنجاکه اساس پژوهش حاضر، نقد روان‌شناختی خوانش‌های عرفانی از شعر پایداری بر مبنای رویکرد روانکاوانه نورمن هالند است، با طرح دیدگاه‌های او و تطبیق آن‌ها با متن‌های مورد مطالعه، به بررسی آسیب‌شناسانه این خوانش‌ها خواهیم پرداخت.

۱. طرح مسئله

پیوند میان روانکاوی و ادبیات با متن یا اثر ادبی آغاز نشد؛ بلکه «روانکاوی در نقد ادبی، نخست به‌منظور شناخت روانی نویسنده به‌کار رفت. این کار را خود فروید آغاز کرد. در نقد روانکاوانه کلاسیک، متن را نشانه بیماری نویسنده تلقی می‌کنند. در واقع متن، حکم رؤیا را دارد و منتقد روانکاو، همان شیوه‌ای را که برای رمزگشایی از رؤیا به‌کار می‌برد، عیناً برای فهم نابسامانی روان نویسنده، کاربردی می‌داند» (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۵: ۲۰۶). در این روش، ادبیات است که از علم روانکاوی تأثیر می‌پذیرد، نه برعکس. یعنی روش‌ها، فرایندها، امکانات و حتی اصطلاحات از روانکاوی اقتباس و در متن ادبی اعمال می‌شوند؛ اما در اینجا هم خواننده با متن می‌تواند وارد دیالکتیک شود.

عرفان و تجربه‌های عرفانی، نوعی رویداد روان‌شناختی فراطبیعی ناشی از احساس همگنی با امر متعال، همراه با تغییرات عواطف، خلسه، تغییر وضع و انفعال جسمی است؛ لذا برای تحلیل حالات عرفانی، دانش روانکاوی به‌عنوان دانشی کاربردی و پیشرو، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است؛ و روش‌هایی که یک روانکاو برای ایجاد تغییرات عمده در ساختار شخصیت افراد به‌کار می‌گیرد، در بسیاری موارد در ارتباط با همین حالات است.

با چنین نگاهی در این پژوهش، ۱۰ مقاله علمی-پژوهشی را که در آن‌ها پژوهشگران، خوانش‌های عرفانی از شعرهای پایداری شاعران معاصر ایران ارائه کرده بودند، انتخاب شدند. در گام بعدی این خوانش‌ها را از منظر چهار رویکرد «تداعی آزاد»، «دفاع و سازگاری»، «فعال‌سازی گسترش» و «آشنایی‌زدایی» که از رویکردهای محوری «نقد تبادلی» در نظریه روان‌شناختی نورمن هالند هستند، بررسی کرده‌ایم.

۲. پیشینه پژوهش

درباره رابطه روان‌شناسی و روانکاوی با ادبیات و تحلیل داستان‌ها و شخصیت‌های مربوط به آثار ادبی و حتی پدیدآورندگان این آثار در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام

و منتشر شده است. برخی از این پژوهش‌ها به صورت کتاب‌ها و مقالاتی که عموماً جنبه پژوهش ذوقی و کارکرد ژورنالیستی داشته‌اند، بوده است و شماری نیز با رویکرد علمی در این موضوعات نگاشته شده‌اند. از جمله مقالاتی که در تحلیل و بررسی موضوعات ادبی بر مبنای انگاره‌های روان‌شناختی نگاشته شده‌اند، عبارت‌اند از: «تجربه‌های معنوی-عرفانی از دیدگاه روان‌شناسی» از فریبرز صدیقی ارفعی (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی مفهوم عزت‌نفس از دیدگاه مولانا و روان‌شناسان انسان‌گرا» از فیروز مردانی و محمود شریفی (۱۳۸۹)، «تحلیل روانکاوانه شخصیت‌های رمان سمفونی مردگان بر اساس آموزه‌های زیگموند فروید و شاگردانش» از محبوبه اظهري و سهیلا صلاحی مقدم (۱۳۹۱)، «آسیب‌شناسی روانی و روان‌درمانی از دیدگاه مولانا» نوشته منصوره اعلمی‌نیا، حسین اسکندری و احمد برجعلی (۱۳۹۳)، «رویکردهای روان‌درمان‌بخش مولانا در حکایت پادشاه و کنیزک مثنوی» از محمدرضا متقی‌نیا، حسنعلی ویس کرمی و مصطفی محمدزاده (۱۳۹۶)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دل‌بستگی با مکانیسم‌های دفاعی» نوشته محمدحسین کفیل، حسن تقیان و محمدمهدی صفورایی (۱۳۹۹)، «تحلیل روانکاوانه افسانه کُردی شیرزاد شیرینچ بر اساس نظریه عقده ادیپ زیگموند فروید» نوشته محمد مرادی نصاری (۱۴۰۱) و «نقد تطبیقی گرایش فکری و ادبی سهراب سپهری و والتر دولامر بر اساس نظریه سازوکارهای دفاعی زیگموند فروید» از وحید کشاورز (۱۴۰۱).

بر اساس پیمایش انجام شده، تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی از منظر تحلیل روان‌شناختی خوانش‌های عرفانی شعرهای پایداری با تکیه بر نظریه‌های معطوف به خواننده صورت نگرفته است. آرا و نظریات نورمن هالند نیز اغلب در پژوهش‌های صورت گرفته در سایه نظریه‌های روانکاوانه اسلاف او از جمله زیگموند فروید و کارل گوستاو یونگ قرار گرفته است؛ از این رو پژوهش حاضر هم از جهت پرداخت روانکاوانه به خوانش عرفانی در شعر پایداری و هم از جهت برجسته‌سازی نظریه‌های هالند تازگی دارد.

۳. بحث

نورمن هالند - نظریه‌پرداز و منتقد ادبی آمریکایی‌تبار - بر آن بود که خوانشگر می‌تواند با رهیافت‌های ادبی، روانکاوی را توضیح دهد؛ همان‌گونه که رهیافت‌های نقد روانکاوانه پیش از این، ادبیات را در سیطره خود داشته‌اند.

هالند اصطلاح «نقد تبادلی» را برای مفهوم موردنظر خود وضع کرد. «این شکل از نقد روانکاوانه در پی روشن‌کردن رابطه شخصی (شخصیتی) خواننده با متن است و لذا به هویت خواننده و تأثیر آن و تفسیر او از متن نظر دارد.

به‌زعم هالند «خواننده توقعاتی از متن دارد که در رویارویی با متن محقق نمی‌شود؛ لذا فرایندهای دفاعی به کمک خواننده می‌آیند تا با دگرگون کردن معنا، هویت خواننده را با متن تطبیق دهند و نهایتاً بر آن هویت صحنه بگذارند» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۵).

او بر این عقیده بود که هر خواننده‌ای «نفس» خود را در خوانش متن و تفسیر آن بازآفرینی می‌کند. «فرایند این بازآفرینی نفس به این شرح است: خواننده با توسل به مکانیسم‌های دفاعی از اضطراب ناشی از خیالات غیرقابل قبول (نامطلوب) اجتناب می‌کند. اگر سبک دفاع روانی خواننده به متن با یکدیگر همخوانی داشته باشند، آنگاه قرائت متن به خواننده لذت، افاده می‌کند. وقتی خیالات ناشی از متن، لذت‌بخش باشند، اما خواننده ضروری ببیند که در مقابل آن خیالات، متوسل به دفاع روانی قوی شود و یا هنگامی که آن خیالات باعث بروز تعارض درونی در خواننده شوند، آنگاه متن را دگرگون می‌کند؛ عناصری را به آن می‌افزاید یا از آن حذف می‌کند یا برخی از عناصر را به پس‌زمینه می‌راند و بقیه را برجسته می‌کند؛ تا زمانی که احساس کند بر تعارض خود فائق آمده است» (همان).

بر اساس نظریه هالند در نقد تبادلی، از مسیرهای گوناگون می‌توان به خوانش متن پرداخت. ما در این پژوهش، چهار رویکرد روانکاوانه موردنظر او را بر روی خوانش‌های عرفانی انجام‌شده از شعرهای پایداری بررسی می‌کنیم.

پیش از پرداخت به تحلیل و ورود به بحث اصلی، لازم به یادآوری است که محققان و صاحب‌نظران عرصه‌های گوناگون به اتفاق آرا بر این عقیده‌اند که یکی از مهم‌ترین ابزارهای تولید علم و انتقال یافته‌های علمی در سده اخیر و نیز ملاک پیشرفت علمی مراکز دانشگاهی و مجامع علمی در سنجش جهانی، بر اساس شاخص‌های بین‌المللی، تولید مقاله‌های کاربردی و علمی است. از این‌رو تحلیل مقاله‌هایی که پیرامون یک موضوع نگاشته شده‌اند، می‌تواند به معنی نقد مجموعه داده‌ها و اطلاعات و یافته‌های عرضه‌شده در نشریات دانشگاهی قلمداد شود. با این توضیح، از مجموع مقالات نمایه شده در فهرست مقالات فارسی با موضوع مورد مطالعه این

جستار، ۱۰ مقاله زیر انتخاب و به‌منظور رعایت اختصار در متن و پرهیز از تکرار، هر مقاله با یک حرف الفبای لاتین، به شرح زیر نشانه‌گذاری شده است:

(A) بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس نوشته عنایت‌الله شریف پور و نرگس موحدی (۱۳۸۸).

(B) بازتاب درون‌مایه اشعار «فرید طهماسبی» شاعر انقلاب و دفاع مقدس نوشته مریم نافلی (۱۳۹۰).

(C) تطبیق مجاهدت‌های رزمندگان بر سیروس‌سلوک و برخی مقامات عرفانی در شعر دفاع مقدس نوشته وحدت مهدی و امین رحیمی (۱۳۹۵).

(D) زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در اشعار حماسی-عرفانی دفاع مقدس نوشته سید علی سراج و علی رجبی (۱۳۹۶).

(E) بررسی مضمون‌ها و حوزه‌های عرفان در مجموعه اشعار قزوه نوشته علی عابدی و حسین یزدانی (۱۳۹۶).

(F) بررسی نمادهای عرفانی و مذهبی و تأثیرات آن‌ها در شعر پایداری نوشته صدیقه رسولیان و محبوبه مباشری (۱۳۹۶).

(G) اندیشه وحدت وجود در اشعار احمد عزیزی نوشته رضا جلیلی و محمدرضا سنگری (۱۳۹۷).

(H) زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس با تکیه بر سروده‌های قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی نوشته جعفر محمدی، آرش مشفق و عزیز حجاجی (۱۳۹۹).

(I) بررسی درون‌مایه‌های عرفانی در ادبیات پایداری در شعر طاهره صفارزاده و بشری البستانی نوشته بهنام فعلی، عنایت‌الله فاتحی‌نژاد و لطیفه سلامت باویل (۱۳۹۹).

(J) چگونگی کاربرد شطح‌واره‌ها در شعر دفاع مقدس نوشته محمدرضا یوسفی و عاطفه خسروی‌زاده (۱۳۹۹).

۱-۳. رویکرد مبتنی بر «تداعی آزاد»

تداعی یا هم‌خوانش در حقیقت نوعی خوانش دوسویه است؛ اما در علم روان‌شناسی «تداعی، نامی قدیمی برای فرایندی است که روان‌شناسان آن را یادگیری می‌نامند» (شولتز، ۱۳۷۱: ۶۲) و طی آن تجربه‌ها و رویدادهای گذشته در ذهن فرد، حاضر می‌شوند.

تداعی آزاد یا تداعی آزاد ذهنی یکی از شکل‌های تداعی و آن عبارت است از بیان آزادانه و بی‌کم‌وکاست

اندیشه‌ها و تصاویری که در ذهن فرد می‌آید؛ هرچند این اندیشه‌ها مشوش، غیرمنطقی و حتی شرم‌آور باشند.

«فرایند تداعی آزاد را می‌توان این‌گونه نیز توصیف کرد: اگر چیزی را که به ذهنتان خطور می‌کند دیر بگویید، دو چیز در ذهنتان، تداعی می‌شود که یکی غیرمنتظره بوده و دیگری ناخوشایند» (هالند، ۱۳۹۳: ۲۱۷).

در خوانش مبتنی بر تداعی آزاد، خوانشگر ممکن است بدون پیش‌بینی اولیه از فرایند خوانش به متن نزدیک شود. او قصد ندارد از ابتدای خوانش همه آنچه را که به ویژگی‌های متن مربوط می‌شود، کنار هم بچیند و بعد تعبیر خود را ارائه دهد؛ بلکه قصد او بر این است که در طی خوانش، دریافت‌های تازه خود را از متن، بدون دخل و تصرف عرضه کند.

تحلیل مقاله (C) با رویکرد تداعی آزاد ذهنی انجام پذیرفته است. پژوهشگران در آغاز جستار، برخلاف عرف معمول، برای موضوع موردمطالعه خود هیچ‌گونه بازه زمانی یا متنی تعریف نکرده‌اند. در عنوان انتخابی آنان به شعر دفاع مقدس اشاره شده که بسیار کلی است؛ یعنی می‌تواند شامل شعرهایی باشد که در هشت سال جنگ ایران و عراق سروده شده‌اند و هم می‌تواند بر اشعاری اشاره داشته باشد که پس از سال‌های جنگ با موضوع دفاع مقدس سروده شده‌اند؛ این نبود تحدید موضوع، خودبه‌خود منجر به تداعی آزاد در انتخاب شاهد مثال‌ها شده است. خوانشگران بدون این‌که مبنایی برای انتخاب شاعران ارائه کرده باشند، به‌طور پراکنده به ابیاتی از سروده‌های علی موسوی گرمارودی، قیصر امین‌پور، حمید سبزواری، سلمان هراتی، محمود شاهرخی و حسین اسرافیلی استشهاد کرده‌اند که ناگفته پیداست ده‌ها شاعر برجسته دیگر که اشعارشان با موضوع موردبحث پژوهشگران مرتبط است، از قلم افتاده‌اند.

نمود دیگر تداعی آزاد را در همین پژوهش می‌توان در انتخاب اصطلاحات عرفانی مشاهده کرد. اصطلاحات عرفانی مطرح‌شده توسط خوانشگران تنها به هفت اصطلاح در عرفان نظری محدود شده است؛ حال آنکه دامنه پژوهش مورد اشاره می‌تواند تعداد بسیار بیشتری از این اصطلاحات را در بر بگیرد. در پژوهش مذکور اصطلاحات عرفانی «ریاضت و مجاهده»، «زهد و ورع»، «بی‌اعتنایی به مرگ»، «پیروی از پیر»، «وطن‌دوستی»، «وارستگی و ساده‌زیستی» و «رضا و

تسلیم» مورد توجه قرار گرفته‌اند، درحالی‌که سالک برای گذر از سلوک اخلاقی به سلوک عرفانی باید شش مرتبه توبه، مشارطه، مراقبه، محاسبه، معاتبه و معاقبه را طی کند تا شربت شهود بنوشد و قدم در وادی تخلیه، تجلیه و فنا (فعلی، صفاتی و ذاتی) گذارد.

پیدااست که پژوهشگران مقاله (C) از سازوکارهای روشمند انتخاب موضوع استفاده نکرده‌اند و آنچه اتفاق افتاده، مبتنی بر تداعی آزاد بوده است.

تداعی آزاد از ما می‌خواهد تا واژه‌ها، تصاویر و واردات ذهنی را بدون گزینش مطرح کنیم تا از کنار هم‌آیی و پیداکردن حلقه مفقود میان آن‌ها و برقراری یک نظم منطقی، پیچیدگی و اعوجاجات متن را به کنترل درآوریم.

در پژوهش (D) تداعی آزاد در تحلیل اشعار به چشم می‌خورد. برای نمونه پژوهشگران در

ذیل عنوان

«نمادهای حماسی-عرفانی» تفسیری از یک رباعی ارائه کرده‌اند که درستی آن محل تردید است. بدین شرح که «شهاب، استعاره‌ای از شهیدان است که با عبور و حضور خود از آسمان، شب را نورانی می‌کنند و شب بی‌ستاره، اشاره به فضای دوران جنگ دارد: ما در شب بی‌ستاره تاب آوردیم/ ایمان به صداقت شهاب آوردیم/ در دفتر آسمان ظلمانی شرق/ مضمون غریب آفتاب آوردیم» (سراج و رجبی، ۱۳۹۶: ۱۴۱).

تفسیر ارائه شده، اساساً نادرست است. «شهاب» نمی‌تواند استعاره از «شهیدان» باشد؛ چراکه شهاب ظهور منفرد دارد نه جمعی. شهاب، خاصیت نورافشانی ندارد که بتواند «شب را نورانی می‌کنند»، بلکه پرتو نورش، تنها در حد خط درخشانی است که بر اثر ورود شهاب‌وار یا حرکت آن در جو ایجاد و به سرعت ناپدید می‌شود؛ حال آنکه شهید، نور لایزال است؛ زیرا خود به منبع لایزال نور پیوسته است.

منظور شاعر از «شب بی‌ستاره» نیز نمی‌تواند «فضای دوران جنگ» بوده باشد؛ بلکه اشاره‌ای است به سال‌های پیش از پیروزی نهضت اسلامی در ایران. شب بی‌ستاره، شب بی‌قهرمان است. در خوانش مقاله (J) بار دیگر به خوانش مبتنی بر تداعی آزاد برمی‌خوریم. خوانشگران می‌گویند: «در این مقاله اشعاری که با مضامین شطح‌گونه در توصیف احوال، رفتار و روحیات رزمندگان، جانبازان و شهدا سروده شده است ... بررسی و تحقیق می‌شود» (یوسفی و خسروی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۶۳). آنگاه بر اساس تداعی آزاد ذهنی، «قائل شدن نور و رنگ برای خدا»

را از مصادیق شطح برمی‌شمرد و می‌نویسند: «یکی از تعابیر شطح‌گونه که دست‌مایه شاعران دفاع مقدس برای ساختن مضامین شعری قرار گرفته، قائل شدن رنگ و بو برای خداست» (همان). درحالی‌که در عرفان اسلامی «نور حق همان خدای تعالی است و اطلاق نور بر غیر او، مجاز محض است؛ یعنی سایر نورها عاریتی‌اند و نور حقیقی فقط اوست و همه هستی، نور اوست» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۱۲)؛ چنان‌که سهروردی گوید: «نورالانوار، نور محیط، قیوم، نور اعظم و اعلی، نور قهار و غنی مطلق است که ورای آن چیزی نیست» (سهروردی، ۱۳۸۰: ۱۲ / ۲). درباره «رنگ خدا» هم پروردگار یکتا در مصحف شریف می‌فرماید: «صِبْغَةُ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً... / رنگ خدایی [بپذیرید!] و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است» (بقره/ سوره ۲، آیه ۱۳۸)؛ و منظور از آن «جلوه‌های جمال و جلالی است که بر قلوب صاف تجلی می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۳۲۸).

۲-۳. رویکرد مبتنی بر «غریبه‌گردانی یا آشنایی‌زدایی»

غریبه‌گردانی که در واقع شکل غریبه‌گردانی شده «آشنایی‌زدایی» است، یکی از مفاهیم کلیدی در نقد صورت‌گرا است که نخستین بار به وسیله ویکتور شکلوفسکی در رساله‌ای با عنوان «هنر همچون شگرد (Art as device)» در سال ۱۹۱۷ مطرح شد و بر این امر اشاره دارد که می‌توان هر چیزی را که بیش‌از حد برای ما عادی و روزمره شده است، از طریق به‌کارگیری تکنیک‌ها و شگردهای خاص، دوباره ساخت و قدرت تازه به آن‌ها بخشید. «به نظر شکلوفسکی، هنر ادراک حسی ما را دوباره سازمان می‌دهد و در این مسیر، قاعده‌های آشنا و ساختارهای به‌ظاهر ماندگار واقعیت را دگرگون می‌کند. هنر عادت‌هایمان را تغییر می‌دهد و هر چیز آشنا را به چشم ما بیگانه می‌کند؛ میان ما و تمامی چیزهایی که به آن‌ها خو گرفته‌ایم ... فاصله می‌اندازد و اشیا را چنان‌که برای خود وجود دارند به ما می‌نمایاند و همه‌چیز را از حاکمیت سویه خودکار که زاده ادراک حسی ماست، می‌رهاند» (احمدی، ۱۳۸۱۳۸۰: ۴۷).

در فرایند آشنایی‌زدایی، خواننده می‌کوشد درکی جدید از متن به مخاطبان بدهد. در واقع خوانشگر، مخاطبان متن را به یک بازی - چیزی شبیه سودوکو یا جدول کلمات - دعوت می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد در مورد کدهایی که داده است، فکر و از آن‌ها رمزگشایی کنند. آشنایی‌زدایی، میان مخاطب و متن یا هر پدیدار دیگری فاصله ایجاد می‌کند. «هرقدر، فاصله مشاهده این اشیا در طبیعت با ما بیشتر شود، بر زیبایی و شکوه این آثار نیز افزوده می‌شود» (گامبریچ، ۱۳۸۸: ۲۶۱).

در مقاله (E) نمونه‌هایی از آشنایی‌زدایی در خوانش به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال پژوهشگران، ذیل عنوان «سکر و صحو» در تعریف «صحو» به نقل از عزالدین محمود کاشانی آورده‌اند: «صحو عبارت است معاودت قوت تمیز و رجوع احکام» (عابدی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۹۲) و در پاراگراف بعدی می‌نویسند: «رزمندگانی که صورت هستی خویش را گم کرده و بر اثر ممارست در اذکار و عبادات، انانیت را رها کرده، دل به نیستی خود نهاده تا هستی پروردگار را بچشند، در حریم حضرت کردگار به هوش بازمی‌آیند و این به بیان شاعر، مرحله صحو است» (همان). این تعریف از صحو، شکل غریبه‌گردانی شده تعریف عزالدین است که خوانشگران به‌منظور نزدیک کردن دیدگاه خود با وی و تعمیم آن بر شاهد مثال انتخاب‌شده، از این شگرد استفاده کرده‌اند.

در عنوان «انالحق، منصور و حلاج» از همین جستار، نوعی دیگر از خوانش آشنایی‌زدا را می‌بینیم. خوانشگران ابتدا ذهن مخاطب را به سمت «حسین منصور حلاج»، صوفی، شاعر و عارف ایرانی قرن سوم هجری هدایت می‌کنند و به نقل از بهاءالدین خرمشاهی می‌نویسند: «انالحق زدن او به قصد اثبات حق بود، نه اثبات نفس ولی به او تهمت دعوی الوهیت و اباحه زدند» (عابدی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۹۴)؛ اما در ادامه با آوردن عبارت «أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَيَّ مَنْ اَعْتَدِي عَلَيْهِ وَافْتَرِي» از متن دعای ندبه، طی فرایند آشنایی‌زدایی از «منصور» خوانش جدیدی ارائه و آن را به امام عصر (علیه‌السلام) متصف و تحلیل خود را به بیت زیر مستدل می‌کنند:

منصور تویی، خرقه پشمینه کدام است؟/ برگرد به حلاجی این پنبه‌فروشان (قروه، ۱۳۸۷: ۲۹).

از نظرگاه صورت‌گرایان، این وظیفه نویسنده یا هنرمند است که فاصله میان اثر و مخاطب را زیاد کند. آفریننده یک اثر باید درک مخاطب را به تأخیر اندازد و از این راه ارتباط خودکار و معهود مخاطب را از سلطه اثر آزاد کند. «شکلوفسکی معتقد است که شکل زیبایی‌شناختی واژه‌ها، مفهوم اثر ادبی را در نظر ما عجیب و جدید جلوه می‌دهد. اگر واژه‌ها جدید، ناآشنا و غیرمعمول باشند، توجه ما را به خود جلب می‌کنند. کلیشه‌ها، شخصیت‌های ثابت و تغییرات قابل پیش‌بینی در طرح داستان، نظر ما را جلب نمی‌کنند» (هالند، ۱۳۹۳: ۱۷۱)؛ اما یک حرکت یا تکنیک غیرمنتظره به‌راحتی ما را به درنگ در اثر وادار می‌کند.

جانیشینی یکی از شگردهای غریبه گردانی است. «در جانیشینی پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود: چه چیزی را می‌توان جانشین کرد؟ به جای این، چه چیز دیگر را می‌توان قرار داد؟ (اسپورن، ۱۳۶۸: ۱۳۷).

در پژوهش (G) «جلیلی و سنگری»، آشنایی‌زدایی در خوانش را از شاهد مثال‌های متن مورد مطالعه خود آغاز می‌کنند. برای نمونه، بیت زیر را از احمد عزیزی طرح می‌کنند:

عشق از بساط وحدت و کثرت فراتر است / شخصِ صمد چه وصف کنم؟ جز صنم نبود!
 آنگاه توجه مخاطب را به واژه «صمد» جلب می‌کنند. مخاطب بر اساس پیش‌فرض‌ها و آموخته‌های قبلی، «صمد» را معادل معنی لغوی آن یعنی «بی‌نیاز، آن‌که دیگران به او نیازمندند» قرار می‌دهد؛ اما خوانشگران سعی دارند از این واژه آشنایی‌زدایی کنند؛ از این رو خواننده را به تعریف «ابن بابویه» ارجاع می‌دهند: «وجود صمدی یعنی وجودی که جوف و خلأ ندارد و جوف و خلأ نداشتن وجود مطلق، مستند به بیان معصوم است» (جلیلی و سنگری، ۱۳۹۷: ۱۶). آنگاه پس از اطمینان از توفیق در غریبه‌گردانی متن، تحلیل خود را عرضه می‌دارند: «نظر به این اطلاق سعه و کلی وجود مطلق و صمدیت اوست که احمد عزیزی صنم را صمد می‌بیند و مقام وحدت و کثرت را کمتر از آن می‌بیند که در جنب صمد، عرض اندام کند» (همان).

خوانشگران (G) برای تفسیر بیت «الهی در هوای من هوس نیست / الهی جز تو در من هیچ‌کس نیست» از احمد عزیزی بار دیگر وارد فرایند غریبه‌گردانی متن می‌شوند. آن‌ها مصراع دوم را که می‌توان به سادگی چنین معنی کرد: «خدایا! در دل من جز یاد تو نیست» به سطح نسبت می‌دهند و می‌نویسند: «مضمون بیت مزبور همان کلام جنید است که گفت: لیس فی جُبتی سَوَى الله» (همان: ۱۵) و از این طریق، ارتباط متن با عرفان را به رخ مخاطب می‌کشند.

در هر صورت پیوند میان روان‌شناسی و آشنایی‌زدایی باعث می‌شود که ما هم متن و هم قضاوت‌های گوناگون درباره متن را با رویکرد دقیق‌تری دنبال کنیم؛ البته این بدان معنا نیست که ما در تحلیل متن عناصر شگفت‌انگیز را به بهانه غریبه‌گردانی وارد متن کنیم.

۳-۳. رویکرد مبتنی بر «فعال‌سازی گسترش»

فعال‌سازی گسترش، اصطلاحی در علم روان‌شناسی شناختی است که می‌تواند در بازیابی اطلاعات با استفاده از شبکه‌ای از معانی که اسناد و اطلاعات موجود در آن اسناد را نشان می‌دهند، اعمال شود. به عبارت خیلی ساده، «یعنی مجموعه معانی گسترده یک کلمه که علاوه بر معنی ظاهری‌اش

از آن برداشت می‌شود» (هالند، ۱۳۹۳: ۲۱۴). برای نمونه با شنیدن واژه «آب»، واژه‌های «تشنگی»، «دریا»، «جوی آب»، «بطری آب آشامیدنی»، «آبیاری کردن مزارع»، «مأمور اداره آب» و حتی «شیر آب» را به خاطر می‌آوریم. واژه‌ها در ذهن انسان علی‌رغم معانی گوناگون، ارتباط مستحکمی با یکدیگر دارند.

این ارتباط ممکن است بر اساس موضوع و حوزه‌های معنایی مشترک باشند یا بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌های معنایی. مثل کلمه هوا که هم می‌تواند به معنی اتمسفر و جو (معادل واژه «Air» در زبان انگلیسی) باشد و هم می‌تواند به معنی «هوس، شهوت و میل» به کار رود. «کلمه به مصادیق بی‌شمار خاص طبقه‌ای که کلمه، نماینده آن است اطلاق می‌شود. مثلاً کلمه درخت، نشانه شفاهی میلیاردها شیء خاص قابل لمس است که در عین داشتن پاره‌ای وجوه اشتراک، فرد آن‌ها با یکدیگر اختلاف چشمگیری دارند ... یکی از خصایص عمده کلمات، آن است که آن‌چنان مجرد هستند که می‌توانند بر کلیه مصادیق قابل لمس نوع معینی از یک شیء اطلاق شوند. کلمه آن‌چنان مجرد است که می‌تواند علامت هر مورد ملموس باشد» (کی‌ولز، ۱۳۵۵: ۸۹). بسیاری از روابط واژگانی که در انواع ایهام در ادبیات وجود دارند از همین نوع است.

واژه‌های هم‌آیند، نوع دیگری از ارتباط واژگانی در فعال‌سازی گسترش است. این هم‌آیندها واژه‌هایی هستند که معمولاً باهم به کار می‌روند؛ مثل «استکان‌نعلبکی»، «صبر ایوب»، «قارقار کلاغ‌ها» و غیره. به عقیده پالمر «واژه‌ها در هریک از هم‌نشینی‌های گوناگون می‌توانند معانی متفاوتی پیدا کنند. مثل واژه اثر در ترکیب‌های اثرانگشت و اثر ادبی» (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۶۴). این ارتباط گروهی یا متامعنایی واژه‌ها در درک روان‌شناختی فعال‌سازی گسترش، نقش مهمی دارند. برندان ماهر (Brendan Maher) - استاد روان‌شناسی دانشگاه هاروارد - در مطالعات خود بر روی این موضوع، «نمونه‌های زیادی را ذکر کرده است که در آن‌ها این گسترش فعال‌سازی روی کلام معمولی نیز تأثیر می‌گذارند» (هالند، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

در همه ۱۰ پژوهش منتخب، نمونه‌هایی از فعال‌سازی گسترش را می‌توان یافت. ما برای پرهیز از تطویل، ناگزیریم به چند نمونه، بسنده کنیم:

در پژوهش (B) که به بررسی شعرهای قادر طهماسبی پرداخته، آمده است: «درد و غم در نزد فرید، مفهومی عظیم و گاه مقدس است که حتی لایق زیارت می‌شود: قصه‌های درد را به خون نگاشتم / درخور زیارت‌اند این نگاره‌ها» (نافلی، ۱۳۹۰: ۵۱۰). شاعر در بیت مورد اشاره هیچ

اشاره‌ای به «غم» نداشته و تنها از «درد» سخن گفته است؛ اما خوانشگر طی فرایند فعال‌سازی گسترش به‌طور ناخودآگاه، غم را بدون اینکه کمکی به خوانش او کرده باشد در هم‌نشینی با «درد» قرار داده است.

در خوانش (H)، پژوهشگران برای تفسیر و دریافت معانی واژه «نیلوفر» در شعر سلمان هراتی، انگاره‌های عرفان بودایی را از مسیر فعال‌سازی گسترش به عرفان اسلامی پیوند می‌زنند: «گل نیلوفر، سمبل عرفان، تجلیات روحانی، نفحات الهی، شکوفایی و بیداری و نیز دنیای اثری و معنوی است. نیلوفر به خورشید چشم می‌دوزد و به‌سوی آن در حرکت است و گویی خورشید را می‌پرستد. بودا در آثار خود مکرر از نماد نیلوفر برای بیان حقایق عرفانی خود سود می‌جوید» (محمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۲۳). قبل یا بعد از این توصیف، هیچ استدلالی که نشان بدهد مفهوم گل نیلوفر در عرفان اسلامی با عرفان بودایی یکی است وجود ندارد؛ اما شاهد مثال ارائه‌شده و موضوع مورد بحث، عرفان اسلامی است.

در خوانش (I) فعال‌سازی گسترش، از طریق گسترش مفهوم «گل» در این بخش از متن، هویدا می‌شود: «صفا زاده در ابیات ذیل، گل را نماد شهید آورده و شهادت را نیز کمال انسان دانسته و متأثر از آداب و رسوم اجتماعی شهیدان را با گل مرتبط ساخته است: آب و گل تن تو شکوفه خواهد داد/ و سلسله گل همیشه منتظر رحمتی است/ که هیچ نمی‌داند کی می‌آید/ گاه منتظر فصل نیست» (فعلی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۲۰).

باید پرسید که خوانشگران از کدام گزاره این قطعه از شعر صفا زاده متوجه شده‌اند که شاعر «متأثر از آداب و رسوم اجتماعی شهیدان را با گل مرتبط ساخته است»؟ گل در اینجا می‌تواند نه خود شهید، بلکه رویش‌های تازه‌ای باشد که از خون شهید سر برمی‌آورد؛ چراکه شاعر ابتدا می‌گوید: «آب و گل تن تو شکوفه خواهد داد»، یعنی تن تو فنا شدنی نیست؛ از خاک تو گل‌های تازه خواهند روید و رویش‌های نو (سلسله گل) بی‌آنکه منتظر فصل رویش باشند از خاک تو سر بر خواهند آورد.

می‌بینیم که در پژوهش (I)، فعال‌سازی گسترش چگونه مسیر تأویل را تغییر داده و باعث شد تا خوانشگران بدون درنگ در لایه‌های زیرین معنا، تنها شکاف‌های لایه سطحی معنا را پر کنند.

فعال‌سازی گسترش در ادبیات، شاهدهی است بر اینکه خواننده در هنگام خوانش متن، دانش خود را بر اساس تجربه شخصی خود سازمان‌دهی می‌کند. به این ترتیب که تجربیات شخصی خواننده، شبکه‌ای از ایده‌ها را تشکیل می‌دهد که دانش او از جهان خارج از متن را در بر می‌گیرد.

۴-۳. رویکرد مبتنی بر «دفاع و سازگاری»

دفاع در علم روانکاوی عبارت است از واکنش ناخودآگاه فرد به محیط پیرامون به منظور کاهش احساس اضطراب، تهدید عزت‌نفس، ناکامی‌ها و چیزهایی که نمی‌خواهد درباره آن‌ها فکر کند. «به‌طور کلی، راه‌های مقابله و سازوکارهای دفاعی، سبب کاهش آسیب‌پذیری در موقعیت‌های استرس‌زا می‌شوند» (نظام‌زاده و قمری، ۱۳۸۱: ۳۴). این اصطلاح نیز اولین بار به وسیله زیگموند فروید وارد علم روان‌شناسی شد. «فروید اصطلاح مکانیسم‌های دفاعی را به آن دسته از تدابیر ناهشیار، اطلاق می‌کند که آدمی برای حل و فصل هیجان‌های منفی به کار می‌برد. این تدابیر هیجان‌مدار، موقعیت تنش‌زا را تغییر نمی‌دهند؛ بلکه فقط شیوه دریافت یا اندیشیدن شخص را به آن، عوض می‌کنند. به این ترتیب در همه مکانیسم‌های دفاعی، عنصر خودفریبی در کار است» (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۱۰). از نظر او «مکانیسم‌های دفاعی، بین دنیای بیرون و درون ما قرار می‌گیرند و انگیزه اصلی فرد برای جلوگیری از خطر، اضطراب و ناراحتی را شکل می‌دهند» (هالند، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

سازگاری نیز یک ویژگی رفتاری در علم روان‌شناسی است که در آن فرد به محرک‌های محیط پیرامونش واکنش نشان می‌دهد و بر اساس آن تصمیم به ابراز یک رفتار اثربخش می‌گیرد. سازگاری و دفاع «یک کنش روان‌شناختی می‌باشد که میان آرزوها، نیازها عواطف و تکانه‌های فرد از یک سو و بازداری‌های درونی شده و واقعیت‌های بیرونی از سوی دیگر، میانجی می‌شود. آن‌ها از این نظر سازوکار به شمار می‌روند که ناآگاهانه عمل می‌کنند و اغلب الگوهای قانونمندی را دنبال می‌کنند که در آن افراد، پیوسته همان دفاع را در شرایط گوناگون به کار می‌گیرند» (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۴۳).

مکانیسم‌های دفاعی در انسان‌ها به شکل انکار، فرافکنی، درون‌فکنی، بازگشت به گذشته، چیزی را با علامت نشان‌دادن، دلیل‌تراشی، توجیه منطقی، همانندسازی، آرمانی‌سازی، پیش‌بینی، خیال‌پردازی، بی‌ارزش‌سازی، ناچیزشماری و غیره ظهور می‌یابند. حال می‌خواهیم بدانیم که در آثار ادبی مکانیسم‌های دفاعی و سازگاری چگونه عمل می‌کنند؟

دقیقاً به همان شکلی که مکانیسم دفاعی در سوژه روانکاوی، فعال می‌شود، در متن نیز فعال می‌شود. هریک از ما بارها با تحلیل‌ها، نقدها و خوانش‌هایی مواجه شده‌ایم که سعی بر «توجیه» و «دلیل‌تراشی» برای اثر ادبی داشته‌اند. این نوعی مکانیسم دفاعی خوانشگر نسبت به متن است؛ یا گاهی خواننده، مطلبی را به «طنز» یا «طعنه» در مورد یک اثر ادبی بیان می‌کند؛ این هم گویای مکانیسم دفاعی است. «نمادسازی» یکی از پرکاربردترین مکانیسم‌های دفاعی در ادبیات است. «هر چیزی می‌تواند به شکل نمادین یک خواسته یا حس ناخودآگاه ظاهر شود. این در مورد صنایع ادبی و هرگونه زبانی که با فرآیند روان‌شناسی نمادسازی، سازگار است، نیز صدق می‌کند؛ چون هر چیزی می‌تواند به شکل تشبیه یا استعاره ظاهر شود» (هالند، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

پژوهش (G) از جمله پژوهش‌هایی است که موارد زیادی از مکانیسم دفاعی «هماندسازی» را می‌توان در آن مشاهده کرد. در روانکاوی این مکانیسم از طریق الگوبرداری (تقلید) افکار، اخلاقیات، رفتار و سلاقی فرد دیگر، تطابق خود با دیگران به‌طور ناخودآگاه و افزایش حس ارزش و اعتبار از راه همانندسازی با شخصیت‌های برجسته و صاحب‌نام انجام می‌شود. در نقد ادبی هم همین اتفاق می‌افتد. منتقد برای اعتباربخشی به متن و خوانش خویش، میان متن و آراء و نظرات اندیشمندان برجسته، رابطه‌ی همانندی برقرار می‌کند.

در همان طلیعه پژوهش (G)، «جلیلی و سنگری» می‌نویسند: «قیصری، در مقدمه شرح خود بر فصوص‌الحکم، به تفصیل درباره وجود از نگاه عرفا سخن گفته است. از نظر او، وجود حقیقت یکپارچه‌ای است که هیچ تکثری در آن راه ندارد و کثرت ظهورات و صور تجلیات آن به وحدت ذاتی‌اش آسیبی نمی‌رساند» (جلیلی و سنگری، ۱۳۹۷: ۹) و سپس میان این دیدگاه با متن مورد مطالعه خود، همانندسازی می‌کنند: «باتوجه به این مقدمه، می‌توان گفت در آثار احمد عزیزی اشعاری هست که در آن‌ها تصریحاً و تلویحاً به وحدت وجود، در همان معنای مورد نظر عرفا، اشاره شده است» (همان). در بخشی دیگر از همین خوانش، ذیل عنوان «اعتباری بودن هستی ماسوی‌الله» آمده است: «جرجانی، در تعریف امر اعتباری، ماهیت را مثال می‌زند و می‌گوید: امر اعتباری آن است که وجودی جز در ساحت عقل معتبر، مادام که معتبر است، ندارد و آن همان ماهیت است؛ البته به شرط عاری بودن او از وجود» (همان: ۳۰) و بعد ادامه می‌دهند: «اعتبار محض و یا صرف اعتبار را احمد عزیزی این‌گونه بر انسان حمل می‌کند: نه او هستی نه خود؛ آینه بشکن/ تو عکسی، عکس صرف اعتبار است» (همان). می‌بینیم که نگاه اعتباری به هستی در

متن مورد مطالعه پژوهش (G) از طریق همانندی با دیدگاه علی بن محمد جرجانی (میر سید شریف) از نامداران علم کلام، حکمت و ادب و منطق انجام شده است.

در بخش‌هایی از پژوهش (H) شاعر دچار مکانیسم دفاعی «آرمانی‌سازی» شده است. برای نمونه در فرازی از آن می‌خوانیم: «سلمان هراتی... راه رسیدن به معشوق ازلی و آرامش ابدی را در رهایی از تعلقات مادی و نفسانی می‌داند؛ زیرا تعلقات مادی و نفسانی از قبیل امیال و آرزوها، وابستگی به دنیا، شهرت‌طلبی و غیره، مانع سیر و لقای انسان به سوی ذات باری تعالی می‌شود» (محمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۲۴).

در روان‌تحلیل‌خوانی متن، منظور از آرمانی‌سازی، بیان اغراق‌آمیز ویژگی‌های مثبت یک متن و ناچیزشمردن و یا نادیده گرفتن نقاط ضعف آن است.

درجایی دیگر از خوانش مذکور، آمده است: «شهادت‌طلبی و ایثار شاخصه ممتاز ادبیات پایداری ایران را تشکیل می‌دهند. گذشتن از مال و جان و همه هستی و دارایی خود از دیگر مظاهر عرفانی و جلوه‌های معنوی عاشورا است. در همان آغاز سفر صحبت از بذل گرامی‌ترین سرمایه انسان یعنی جان در میان است» (همان: ۳۲۶). این آرمانی‌سازی قرار است بر نتیجه‌گیری از پژوهش اثر بگذارد و از قضا همین اتفاق، رقم می‌خورد: «آنان در اشعارشان از اصطلاحات و مضامین عرفانی در معانی متفاوت برای وصف عرصه‌های جهاد و شهادت بهره گرفتند. از میان شاعران دفاع مقدس، قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی به علت انس با عرفان کلاسیک ایرانی، در اشعار خود از مضامین عرفانی ایرانی برای به تصویر کشیدن اوضاع سیاسی اجتماع زمان خود استفاده کردند» (همان: ۳۲۷) و خود ناگفته پیداست بنیه این نتیجه‌گیری تا چه اندازه ضعیف، فاقد استدلال علمی و مورد مناقشه است.

یکی دیگر از مکانیسم‌های دفاعی در روان‌تحلیل‌خوانی متن، «واکنش‌سازی» یا «واکنش وارونه» است. واکنش‌سازی در خوانش زمانی اتفاق می‌افتد که خوانشگر، مفهوم متن را عکس آن چیزی که هست، منعکس می‌کند. در پژوهش (I) مفهوم عشق در شعر طاهره صفارزاده به این صورت بازنمایانده شده است: «صفارزاده در بسیاری جاهای شعرش، فراق و فریب و تنهایی در عشاق است. این یأس و ناامیدی، در حقیقت تشویق به عشق و محبت برای هموعان است. حال چه در فضای عشق مجازی تعبیر شود، یا عشق حقیقی» (فعلی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱۷). در این خوانش، یأس و ناامیدی از عشق، برخلاف منطق معمول، طی مکانیسم وارونه‌سازی، «تشویق به عشق و

محبت برای هم‌نوعان» قلمداد شده است. همین‌طور در پژوهش (J)، پژوهشگران برای این‌که نتیجه مطلوب بگیرند کارکرد مفهوم «انالحق» را که معروف‌ترین شطحیات صوفیه در عرفان اسلامی می‌باشد و توسط حسین بن منصور حلاج، شطح شده است، وارونه‌خوانی نموده‌اند: «برخی شاعران، عارف‌وار بر امثال حلاج خرده گرفته، وی را کم‌ظرفیت دانسته‌اند؛ زیرا معتقدند انالحق، خاص مبتدیان است؛ نه منتهیان! به باور آنان شهدا عارفان واقعی هستند که بدون آنکه در قید نام و ننگ باشند، گمنام‌وار به حق رسیدند و احدی صدای آنان را نشنید» (یوسفی و خسروی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۷۶) و در ادامه برای استقرا بر این نظر، از مرتضی امیری اسفندقه، بیتی را به‌عنوان شاهد مثال طرح می‌کنند: حدیث دار و انالحق به خلق وابگذار/ به این جماعت پوسیده‌دل و ابگذار.

در بیت بالا هیچ نشانه‌ای که در آن شاعر، حلاج و امثال او را «کم‌ظرفیت» و انالحق را «خاص مبتدیان و نه منتهیان» دانسته باشد یافت نمی‌شود؛ بلکه این معنا از طریق مکانیسم دفاعی وارونه‌سازی برای سازگاری خوانشگران با متن حاصل شده است.

مکانیسم‌های دفاعی الزاماً به خوانش درست متن منجر نمی‌شوند؛ بلکه گاه به تحریف و آسیب متن دامن می‌زنند و موجب فریب مخاطب می‌شوند. به‌عنوان مثال مکانیسم «آرامانی ساختن»، باعث خوانش اغراق‌آمیز متن و ندیدن یا ناچیز شمردن نقاط ضعف آن می‌شود؛ یا در مکانیسم «هماندسازی» گاه همانندی متن مورد مطالعه با متن همانندشده، بسیار ناچیز است و خوانشگر می‌کوشد تا به هر شکل ممکن این همانندی را ایجاد کند. به‌هرروی، «به‌کارگیری مکانیسم‌های دفاعی در ارتباط با اثر ادبی باعث می‌شود که ما برای فعالیت‌هایی که به خاطر عدم تمایل ما و علم به اینکه ما برای تغییر اثر ادبی هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم، سرکوب شده‌اند، فعالیت‌های جایگزین پیدا کنیم» (همان: ۱۷۸).

نتیجه‌گیری

یکی از ساحت‌هایی که روانکاوان بسیار بر آن تمرکز کرده‌اند، حوزه عرفان و تجربه‌های عرفانی است. روش‌هایی که یک روانکاو برای ایجاد تغییرات عمده در ساختار شخصیت افراد به‌کار می‌گیرد، در بسیاری موارد در ارتباط با حالاتی است که در تجربه‌های گوناگون عرفانی دیده می‌شود. از این‌رو خوانش‌های عرفانی از متون می‌توانند بر مبنای رویکردها و نظریه‌های روانکاو و روان‌شناختی، مورد مطالعه و آسیب‌شناسی قرار گیرند.

از جستار حاضر که با رویکرد روان‌شناختی مبتنی بر نظریه نقد تبادلی نورمن هالند بر روی ۱۰ مقاله علمی از پژوهشگران فارسی‌زبان انجام گرفته است، این نتیجه حاصل شد که در بسیاری از خوانش‌ها پژوهشگران به‌طور ناخودآگاه به بخشی از رویکردهای نقد تبادلی-روان‌شناختی تن در داده‌اند. «تداعی آزاد»، «غریبه‌گردانی»، «دفاع و سازگاری» و «فعال‌سازی گسترش» از جمله رویکردهایی هستند که تأثیر آن‌ها بر خوانش‌های منتخب این پژوهش با استدلال، به اثبات رسیده است. البته بسامد استفاده ناخودآگاه از مکانیسم‌های دفاعی، به دلیل تنوع و تعدد زیرشاخه‌ها در خوانش‌های مذکور بیش از سایر رویکردها بوده است.

به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که:

۱- در خوانش‌های مورد مطالعه، تداعی آزاد باعث شد تا واژه‌ها، تصاویر و واردات ذهنی خواننده، بدون گزینش قبلی وارد متن شود و از کنارهم‌آیی آن‌ها و برقراری یک نظم منطقی، پیچیدگی و اعوجاجات متن خود را بنمایاند.

۲- اگر پژوهشگران از رویکرد «غریبه‌گردانی» به‌طور آگاهانه در فرایند خوانش بهره بگیرند، بر ارزش، اثرگذاری و جذابیت پژوهش افزوده خواهد شد. پیوند میان روان‌شناسی و غریبه‌گردانی باعث می‌شود که ما هم متن و هم خوانش‌های گوناگون درباره متن را با رویکرد دقیق‌تری دنبال کنیم.

۳- فعال‌سازی گسترش در فرایند خوانش متن، باعث شد که خوانشگران در هنگام خوانش، دانش خود را بر اساس تجربه شخصی خود سازمان‌دهی کنند؛ هرچند این امر در مواردی سبب شد تا مسیر تأویل تغییر و در نتیجه خواننده، بدون درنگ در لایه‌های زیرین معنا، ناخواسته، تنها شکاف‌های لایه سطحی معنا را پر می‌کند.

۴- به‌کارگیری مکانیسم‌های دفاعی در ارتباط با اثر ادبی الزاماً به خوانش درست متن منجر نمی‌شوند؛ بلکه گاه به تحریف و آسیب متن دامن می‌زنند و موجب فریب مخاطب می‌شوند. به‌عنوان مثال در مکانیسم «همانندسازی» گاه همانندی متن مورد مطالعه با متن همانندشده، بسیار ناچیز بود؛ به‌گونه‌ای که خوانشگر می‌کوشید تا به هر شکل ممکن این همانندی را ایجاد کند.

- اتکینسون، اتیا آل و دیگران (۱۳۸۹). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*؛ ترجمه گروه مترجمان به ویراست محمدنقی براهنی، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات رشد.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰). *ساختار و تأویل متن*، تهران: انتشارات مرکز.
- اسپورن، الکس اس (۱۳۶۸). *پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت*، ترجمه حسن قاسم‌زاده، تهران: نشر نیلوفر.
- افخم ابراهیمی، عزیز (۱۳۷۷). «سازوکارهای دفاعی و اختلال‌های شخصیتی با بهره‌گیری از مقیاس کارکرد دفاعی در *DSM*»، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال چهارم، شماره ۴.
- پالمر، فرانک. (۱۳۷۴). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کوروش صفوی، نشر مرکز: تهران.
- پاینده، حسین و دیگران. (۱۳۸۲). «*رابطه هنر و ادبیات با روانکاوی*»، *کارنامه*، شماره ۴۱.
- پاینده، حسین (۱۳۸۵). *نقد ادبی و دموکراسی*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- جلیلی، رضا و سنگری، محمدرضا (۱۳۹۷). «*اندیشه وحدت وجود در اشعار احمد عزیزی*»، *ادبیات انقلاب اسلامی (ویژه‌نامه فرهنگستان)*، شماره ۴.
- رسولیان، صدیقه و مباحثی، محبوبه (۱۳۹۶). «*بررسی نمادهای عرفانی و مذهبی و تأثیرات آن‌ها در شعر پایداری*»، *فصلنامه عرفانیات در ادب فارسی*، دوره ۸، شماره ۳۰.
- سراج، سید علی و رجبی، علی (۱۳۹۶). «*زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در اشعار حماسی-عرفانی دفاع مقدس*»، *فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی*، سال دوم، شماره ۳.
- سهرودی، شهاب‌الدین (۱۳۸۰). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح هانری کربن*، تهران: بی‌نا.
- شریف‌پور، عنایت‌الله و موحدی، نرگس (۱۳۸۸). «*بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس*»، *نشریه ادبیات پایداری*، سال اول، شماره ۱.
- شولتز، دوان (۱۳۷۱). *تاریخ روان‌شناسی نوین*، ترجمه علی اکبر سیف، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- عابدی، علی و یزدانی، حسین (۱۳۹۶). «*بررسی مضمون‌ها و حوزه‌های عرفان در مجموعه اشعار قزوه*»، *نشریه ادبیات پایداری*، سال نهم، شماره ۱۶.

- عناصرری، جابر (۱۳۶۸). مردم‌شناسی و روان‌شناسی هنری، تهران: انتشارات اسپرک.
- فعلی، بهنام و دیگران (۱۳۹۹). «بررسی درون‌مایه‌های عرفانی در ادبیات پایداری در شعر طاهره صفارزاده و بشری البستانی»، فصلنامه علمی عرفان اسلامی، سال هفدهم، شماره ۶۶.
- کی ولز، هاری (۱۳۵۵). پاولوف به سوی روان‌شناسی و روان‌پزشکی علمی، ترجمه نصرالله کسراییان، تهران: انتشارات شبگیر.
- گامبریچ، ارنست (۱۳۸۸). تحولات ذوق هنری در غرب، ترجمه محدثی فرامرز، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- محمدی، جعفر و دیگران (۱۳۹۹). «زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس با تکیه بر سروده‌های قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی»، فصلنامه عرفان اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۳.
- محمدی، حسن علی (۱۳۸۶). فرهنگ آسمانگر (فرهنگ جامع اسمای الهی)؛ ویراسته کاظم عابدینی، قم: انتشارات فراگفت.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهدی، وحدت و رحیمی، امین (۱۳۹۵). «تطبیق مجاهدت‌های رزمندگان بر سیروسلوک و برخی مقامات عرفانی در شعر دفاع مقدس»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (ادبیات انقلاب اسلامی)، دوره دوم، شماره ۱.
- نافلی، مریم (۱۳۹۰). «بازتاب درون‌مایه اشعار فرید طهماسبی شاعر انقلاب و دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، سال سوم، شماره ۵.
- نظام‌زاده، ضرغام و قمری گیوی، حسین (۱۳۸۷). «سازوکارهای دفاعی و راه‌های مقابله در افراد مبتلا به اختلال اضطراب»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱.
- هالند، نورمن (۱۳۹۳). ادبیات و مغز، ترجمه سهیلا فغفوری، اسماعیل زهدی، رفسنجان: انتشارات دانشگاه ولی عصر رفسنجان.

- یوسفی، محمدرضا و خسروی زاده، عاطفه (۱۳۹۹). «چگونگی کاربرد شطح‌واره‌ها در شعر دفاع مقدس»، *دوفصلنامه ادبیات دفاع مقدس دانشگاه شاهد*، دوره چهارم، شماره ۱.